

عباس تدینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۳۰

سوران حیاتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۵

چکیده

رژیم صهیونیستی اسرائیل از زمان تاسیس تاکنون جنایات زیادی را در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مرتکب شده است؛ ولی هر بار به نحوی از قوانین حقوق بین‌الملل گریخته و برای اعمال جنایت‌کارانه دیگر خود را مهیا کرده است و هیچ‌گاه شورای امنیت موفق به کمترین تقابلی با این دولت تروریستی نگردیده است. بر همین اساس است که گفته می‌شود، موقعیت فعلی فلسطین نتیجه یک سلسله بی‌عدالتی، قانون‌شکنی، تجاوز و تخلف از اصول و مقررات حقوق بین‌الملل، نادیده گرفتن قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، تجاوز به حقوق طبیعی و انسانی و آزادی‌های واقعی است. حمایت و رفتار انسانی با مردم منطقه اشغالی، از اصول اساسی حقوق بین‌الملل در وضعیت اشغال خصمانه یک سرزمین است. رژیم صهیونیستی در جریان تجاوزات به غزه بارها قواعد حقوق بشردوستانه را نقض و بر طبق حقوق بین‌الملل، دارای مسئولیت بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: فلسطین، غزه، رژیم صهیونیستی، جنگ ۲۲ روزه، مسئولیت بین‌المللی.

۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.

۲- کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شیراز.

مقدمه

اسرائیل در برابر مخالفت‌های گسترده افکار عمومی جهانی در جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه، غزه را از زمین و هوا و دریا مورد شدیدترین و وحشیانه‌ترین حمله نظامی خود قرار داد در حالی که سرزمین فلسطین به‌ویژه نوار غزه طبق قوانین و مقررات بین‌المللی سرزمین تحت اشغال تلقی می‌شود و بنابراین مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در این مناطق حکومت خواهد داشت. لذا این جنگ‌ها، از جهات گوناگون از جمله از نظر حقوقی مورد مطالعه و بررسی صاحب‌نظران قرار دارد. در این جنگ‌ها، رژیم صهیونیستی مرتکب جنایاتی از قبیل استفاده از سلاح‌های ممنوعه، حمله به جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامیان، حمله به مدارس و مساجد و بیمارستان‌ها و نیروهای امدادگر و غیره شده است که نقض فاحش حقوق بین‌الملل و به‌صورت اولی جنایات علیه بشریت محسوب می‌شوند و طراحان، آمرین و عاملین آن مستوجب تعقیب، محاکمه و مجازات می‌باشند. در ضمن، سازمان ملل متحد و همه کشورها در زمینه احقاق حق قربانیان غزه و به کیفر رساندن جنایتکاران مسئولیت‌هایی دارند که بی‌اعتنایی به آنها، کمافی السابق موجبات بروز جنگ‌های دیگر و تهدید و به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم خواهد آورد.

مقاله حاضر از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول حدود رعایت اصل حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه تشریح شده است که در جنگ‌هایی مانند تجاوزات به غزه و هر جنگ دیگری لازم‌الرعايه است. پس از اصل عدم توسل به زور سایر اصول نیز آورده شده است.

در بخش دوم به‌اختصار نگاهی به تجاوز رژیم صهیونیستی به نوار غزه در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ شده و به‌خصوص تلاش بر برجسته‌سازی این نکته بوده که هر دو تجاوز عملاً پس از تشکیل دولت وحدت ملی در فلسطین صورت گرفته و ناخودآگاه میزان حساسیت صهیونیست‌ها به اتحاد فلسطینیان بر هر ناظر هویدا می‌گردد؛ یعنی اسرائیل فقط در پی یک بهانه بوده تا تجاوز را شروع و آن را با ویرانی تمامی زیرساخت‌ها در سطح توان ادامه دهد؛ امری که نامی جز عملیاتی انتقامی بر ضد یک ملت نمی‌توان گذاشت و همین «نسل‌کشی» مسئولیت بین‌المللی سنگینی را متوجه این رژیم در مجامع و دادگاه‌های جهانی می‌نماید.

همچنین در بخش سوم سعی گردیده است تا مسئولیت رژیم صهیونیستی در قبال نقض مستمر حقوق بشردوستانه در تجاوزات به غزه تبیین گردد. در ابتدا موارد نقض حقوق جنگ

توسط این رژیم بررسی گردیده است. سپس این واقعیت دردناک که نیروهای نظامی این رژیم از تجاوز به اماکن غیرنظامی نیز ابایی نداشته‌اند تشریح شده و سپس به مسئله سپر انسانی قرار دادن فلسطینیان توسط نظامیان صهیونیست پرداخته شده است. در بخشی تکان دهنده از این تحقیق نیز به کاربرد سلاح‌های ممنوعه بر علیه فلسطینیان بی‌پناه توسط این رژیم سفاک نیز اشاره و مسئولیت بین‌المللی اسراییل مورد یادآوری قرار گرفته است.

در پایان نیز سعی گردیده است تا نتیجه‌گیری از مباحث گفته شده صورت گیرد.

یک. مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشردوستانه

۱-۱. حدود رعایت اصل حقوق بشردوستانه در تجاوزات نظامی

مطابق مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه، اعم از بین‌المللی و داخلی، طرفین مخاصمه در انتخاب روش‌ها و ابزار مورد استفاده در جنگ نامحدود نیستند بلکه، روش‌های جنگی که صدمات بی‌مورد وارد ساخته و موجبات آلام غیرضروری را فراهم آورد، ممنوع است؛ هرچند از سلاح‌های مجاز استفاده شود. بر این اساس، طرف‌های درگیر نمی‌توانند از هر روشی برای جنگ استفاده نمایند و باید تا آنجا از زور استفاده شود که برای غلبه بر طرف مقابل لازم است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۸۹). در صورت استفاده از زور نیز، به‌هیچ‌وجه حق استفاده از سلاح‌های نامتعارف وجود ندارد. در نگاه اول ذهن با کلمه نامتعارف فقط به بمب‌های شیمیایی و هسته‌ای متمرکز می‌گردد ولی بمب‌های میکروبی، حاوی اورانیوم ضعیف شده و دارای اثرات نامتعارف بر بدن و اعصاب انسان همگی در قالب عبارت «سلاح‌های نامتعارف» می‌گنجند.

منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی هرگونه توسل به‌زور را مدنظر دارد و اعضای سازمان ملل متحد را ملزم می‌سازد که در روابط بین‌المللی میان خود از توسل به‌زور، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله‌به‌مثل، محاصره دریایی و یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات یا اعمال قدرت چه علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور و چه هرگونه رفتار دیگر که با اهداف ملل متحد مغایر باشد خودداری کنند (فراسیون، ۱۳۵۴: ۷۵). در همین رابطه اینکه یک دولت به بهانه کشته شدن چند سرباز، کمر به نابودی زیرساخت‌های یک منطقه ارضی کوچک با تراکم جمعیتی بالا ببندد، نه‌تنها منافعی با اصل ممنوعیت توسل به‌زور است بلکه در قالب حق دفاع مشروع نیز نمی‌گنجد؛ زیرا

هرگونه دفاع مشروع باید متناسب با تجاوز صورت گرفته انجام شود.

نهضت‌های آزادی‌بخش، از جمله نهضت آزادی‌بخش فلسطین که از سوی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و در سازمان ملل نیز دارای نماینده هستند، جزء تابعان غیرفعال حقوق بین‌المللی محسوب می‌شوند و می‌توانند به‌صورت محدود طرف معاهدات بین‌المللی قرار گیرند (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۹۶).

از سوی دیگر امروزه مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر به قواعد عرفی عام الشمول تبدیل شده (موسی زاده، حقوق معاهدات بین‌المللی، ۱۳۸۳: ۳۶۹) و حتی برای کشورهایی که اسناد و معاهدات بین‌المللی مربوطه را نپذیرفته‌اند، الزام‌آور است و حتی برخی از این قواعد به جایگاه قواعد آمره ترفیع یافته‌اند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). رژیم صهیونیستی چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح بارها این حقوق مسلم فلسطینیان را زیر پا گذاشته است.

۱-۲. مسئولیت رژیم صهیونیستی در قبال نقض حقوق بشردوستانه در تجاوزات نظامی به غزه

بایستی یادآور شد که نوار غزه منطقه‌ای «تحت اشغال»^۱ (بوسچک و رابرت بلدسو، ۱۳۷۵: ۲۰۳)؛ رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌باشد. کرانه باختری رود اردن و نوار غزه پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به اشغال نظامی اسرائیل درآمده و طبیعتاً از زمان شروع جنگ تا پایان اشغال نظامی می‌بایست حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این مناطق اعمال شود (شیایزری، گیتی، گریانک، ساک، ۱۳۸۳: ۴۲۵). حتی ساخت دیوار حایل نیز نمی‌تواند از این وظیفه و مسئولیت بین‌المللی بکاهد (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۶۵)؛ اما دولت اسرائیل همواره این مناطق را جزء لاینفک سرزمین اسرائیل تلقی می‌کند و افراتیون اسرائیلی تحت هیچ عنوانی نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند که این سرزمین‌ها، سرزمین اشغالی هستند که تابع یک سلسله قواعد و مقرراتی بر اساس حقوق بشردوستانه‌اند. اسرائیل بر این باور است که بر طبق ماده ۲ کنوانسیون شماره چهار ژنو، در صورت وقوع درگیری مسلحانه بین دو یا چند دولت متعاهد و اشغال یا تصرف بخشی از خاک یک دولت توسط دیگر دولت متخاصم اجرا خواهد شد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۳: ۵۹)؛ درحالی‌که کرانه غربی رود اردن و نوار غزه که در جنگ شش روزه به اشغال اسرائیل درآمده‌اند، هرگز از نظر بین‌المللی به‌عنوان بخشی از سرزمین مصر و اردن به رسمیت شناخته نشده‌اند و از این رو نمی‌توان گفت که اسرائیل بخشی از

1- Occupied.

خاک این دو دولت را اشغال کرده است؛ بنابراین از نظر اسراییل کنوانسیون شماره ۴ در این مناطق قابل اعمال نیست. درحالی که تاکنون ادعای عدم قابلیت کنوانسیون چهارم در مورد سرزمین‌های اشغالی از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سایر متخصصین حقوق بین‌الملل رد شده است. صلیب سرخ (به‌عنوان ناظر کنوانسیون‌های ژنو) معتقد است که کنوانسیون چهارم ژنو ارتباطی به حاکمیت طرفین مخاصمه ندارد (حسینی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۵). این کنوانسیون در کلیه مواردی که سرزمینی در طول یک مخاصمه مسلحانه اشغال گردد، فارغ از وضعیت حقوق آن سرزمین اعمال خواهد شد. علاوه بر این شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در موارد مختلف از اسراییل خواسته‌اند که به قواعد حقوق بشردوستانه در سرزمین‌های اشغالی احترام بگذارد. به‌عنوان مثال شورای امنیت در سال ۱۹۹۰ با تصویب قطعنامه ۶۸۱ از دولت اسراییل درخواست نمود تا اعمال دائمی کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی را بپذیرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۱ در قطعنامه ۵۶/۶۰ مجدداً بر این موضوع تأکید کرد که کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی فلسطین شامل بیت‌المقدس و سایر سرزمین‌های عربی که از ۱۹۶۷ توسط اسراییل اشغال شد قابل اعمال است. همچنین دولت‌های متعاقد به کنوانسیون ژنو در کنفرانسی در سال ۲۰۰۱ قابلیت اجرایی کنوانسیون چهارم در مورد سرزمین‌های اشغالی را تأیید و از اسراییل خواستند تا از نقض‌های فاحش کنوانسیون از قبیل مصادره و تخریب گسترده اموال که ضرورت نظامی آن را ایجاب نمی‌کند، بپرهیزد.

بنا به دلایل مذکور، تردیدی نیست که نوار غزه جزو سرزمین‌های اشغالی بوده و در نتیجه در طول دوران اشغال، خارج از سلطه حقوق نیست و تابع نظام حقوقی خاصی می‌باشد. از جمله مقررات کنوانسیون چهارم لاهه مورخ ۱۸ اکتبر سال ۱۹۰۷ (بخش سوم مواد ۴۲ تا ۵۶)، منشور ملل متحد، کنوانسیون چهارم ژنو مورخ ۱۲ اوت سال ۱۹۴۹ در زمینه حمایت از افراد غیرنظامی (بخش سوم مواد ۴۷ تا ۸۰)، قطعنامه تعریف تجاوز مورخ ۱۹۷۴، پروتکل شماره یک الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو مورخ ۱۹۷۷. حقوق قراردادی حاکم بر اشغال دارای خصیصه آمره است، زیرا ناشی از عهدنامه‌های قانونی چندجانبه‌ای است که اجازه انحراف از آنها داده نشده است.

اسراییل به عضویت کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو^۱ درآمده است، اما عضو پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷

1- 1949 Geneva Conventions.

نیست؛ البته هم پروتکل‌های ۱۹۴۹ و هم الحاقی ۱۹۷۷ برای همه کشورها از جمله رژیم صهیونیستی لازم‌الرعایه می‌باشد. اسرائیل برخلاف تعهدات بین‌المللی خود در خصوص سرزمین‌های اشغالی و برخلاف اصل ممنوعیت توسل به زور، یکی از تجاوزات بر علیه غزه را ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ با نام عملیاتی «عملیات سرب گداخته» آغاز کرد و این جنگ تا ۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۹ به طول انجامید. در این جنگ نابرابر اسرائیل ضمن ارتکاب جنایات علیه بشریت به خاطر نقض صلح و شروع جنگ تجاوزکارانه، مرتکب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی شد که این امر در گزارش سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه در گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد به ریاست گلدستون اثبات شده است.

دیوان کیفری بین‌المللی^۱ اعمال زیر را جنایت جنگی^۲ اعلام می‌کند:

حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی و یا به افراد غیرنظامی که در نبردها مشارکت مستقیم ندارند، دستور جابجایی سکنه غیرنظامی، حمله به اموال و اشیای غیرنظامی شامل: ساختمان‌ها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه بهداری و پرسنل پزشکی، ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا امور خیریه استفاده می‌شوند و نیز بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های نگهداری بیماران و زخمیان.

دو. تجاوز رژیم صهیونیستی به غزه در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴

۱-۲. جنگ ۲۲ روزه غزه (تجاوز سال ۲۰۰۸)

محاصره غزه که از سال ۲۰۰۷ و در پی پیروزی حماس^۳ در انتخابات و شکست «جنبش فتح»^۴ و توافق امنیتی مصر و رژیم صهیونیستی شروع شده بود، در سال ۲۰۰۸ با ادامه درگیری‌های پراکنده میان رژیم صهیونیستی و حماس تشدید شد. بر اساس توافقنامه‌ای که در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۸ میلادی بین اسرائیل و حماس و ۱۲ گروه شبه‌نظامی با میانجی‌گری کشور مصر به امضا رسیده بود، حماس و

1- International Criminal Court (ICC).

2- War Crime.

3- Islamic Resistance Movement.

4- Palestinian National Liberation Movement.

«نیروهای دفاعی اسرائیل»^۱ متعهد شده بودند تا از دست زدن به عملیات مسلحانه علیه خاک یکدیگر خودداری کنند؛ اما در طول شش ماه، حماس و رژیم اسرائیل بارها یکدیگر را به نقض قرارداد متهم کردند. از طرفی صهیونیست‌ها پرتاب راکت به سمت خاک خود را نقض آتش‌بس در نظر گرفته و از طرف دیگر حماس ادامه محاصره اقتصادی و سوختی غزه توسط این رژیم را نقض آتش‌بس عنوان کرد. این جنگ خونین که از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹ به طول انجامید. در اسرائیل با نام عملیاتی عملیات سرب گداخته و در میان اعراب با نام کشتار غزه یاد می‌شود. از آنجاکه اولین روز نبرد با بیشترین شمار شهید و زخمی فلسطینی در یک روز از سال ۱۹۴۸ تاکنون پایان یافت، این روز در میان بخشی از عرب‌ها به روز کشتار شنبه سیاه معروف شد. سرانجام در شبانگاه تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹ میلادی و پس از سه هفته عملیات نظامی همه‌جانبه علیه حماس در نوار غزه، ارتش رژیم صهیونیستی «آتش‌بس یکجانبه»^۲ اعلام کرد.

رژیم صهیونیستی بعد از اعلام آتش‌بس از بازگشایی گذرگاه‌های نوار غزه امتناع ورزید و در نتیجه بازسازی ویرانه‌های این منطقه عملی نشد؛ آنها دلیل این کار را جلوگیری از ورود سلاح‌های بیشتر به این منطقه عنوان کردند. بعد از اعلام آتش‌بس، هر از چند گاهی درگیری‌های پراکنده‌ای میان طرفین گزارش شده است. بر اساس برآوردهای «مرکز حقوق بشر فلسطین»^۳ و وزارت بهداشت فلسطین، آمار شهدای فلسطینی بین ۱۳۱۴ و ۱۴۳۴ متغیر است. جنگ غزه به زیرساخت‌های صنعتی، اقتصادی و بهداشتی نوار غزه خسارات متعددی وارد آورد.

در طول جنگ، «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»^۴ در قطعنامه‌ای اسرائیل را متهم به نقض فاحش حقوق بشر کرد و درعین حال خواستار پایان یافتن حملات موشکی علیه شهروندان اسرائیل شد. گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد که توسط ریچارد گلدستون تهیه شده بود، اسرائیل و حماس را متهم به ارتکاب جرایم جنگی کرد. از جمله استفاده از فسفر سفید برای حمله به ساختمان‌های آژانس امدادرسانی به آوارگان، هدف قرار دادن بیمارستان القدس و حمله به بیمارستان الوفا.

1- Israel Defense Forces

2- Unilateral Cease-Fire

3- Palestinian Center for Human Rights (PCHR)

4- United Nations Human Rights Council (UNHRC)

۲-۲. جنگ ۵۱ روزه غزه (تجاوز سال ۲۰۱۴)

در ۲۱ آوریل ۲۰۱۴ (۱ اردیبهشت ۱۳۹۳) حماس و فتح پس از هفت سال جدایی، با یکدیگر ائتلاف کرده و دولت واحدی را تشکیل دادند. دولت واحد در ۲ ژوئن ۲۰۱۴ سوگند یاد کرد. دولت اسرائیل اعلام کرد که حاضر نیست تا با دولت جدید درباره صلح مذاکره نماید و نتانیاهو در دخالتی آشکار در امور داخلی فلسطینیان و در نهایت بی‌شرمی آن را «قدرت‌افزایی تروریسم» نامید. پیش از آن دولت اسرائیل علت عدم برقراری صلح را نبود دولت واحد فلسطینی خوانده بود و نتانیاهو از محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان خواسته بود تا میان آشتی با حماس و صلح با اسرائیل، یکی را انتخاب کند. عملیات نظامی در اثر زنجیره‌ای از رویدادها-و در رأسشان آدم‌ربایی و قتل نوجوانان صهیونیست در کرانه باختری، آغاز شد. رژیم اسرائیل حماس را مسئول این کار قلمداد کرده ولی حماس این ادعا را رد کرد. هیچ مدرکی که ادعای مسئولان اسرائیلی را تایید نماید ارایه نشده و مسئولان ارشد حماس هرگونه پیش‌آگاهی از انجام این کار را رد کرده‌اند. ارتش اسرائیل در پاسخ به این کار ۱۰ فلسطینی را به شهادت رساند که دو نفر آنان زیر ۱۸ سال بودند و صدها نفر را نیز دستگیر نمود. پس از پیدا شدن جنازه آن سه نوجوان و به فاصله چند ساعت پس از برگزاری مراسم تشیع جنازه آنان، نوجوانی ۱۶ ساله فلسطینی ربوده و زنده‌زنده سوزانده شد. این عمل توسط یهودی‌های افراطی صورت گرفت و ۶ یهودی به خاطر این عمل دستگیر شدند. در اثر این قتل، تظاهرات گسترده‌ای در شرق بیت‌المقدس و شهرهای عرب نشین فلسطین اشغالی آغاز شد. در ۸ ژوئیه ۲۰۱۴ حماس که مسئولیت پرتاب تعدادی موشک را پذیرفته بود، بر آزادی تمامی افراد دستگیر شده به‌عنوان یکی از شروط آتش‌بس تاکید کرد. در ۱۹ ژوئیه اسرائیل رشته عملیاتی را آغاز کرد که هدفش قطع موشک‌پرانی از نوار غزه اعلام شد. در طی یک هفته این عملیات شدت گرفته و منجر به شهادت ۱۰ مجاهد و همچنین زخمی نمودن ۱۳۰ رزمنده حماس شد. هرچند این عملیات پس از آدم‌ربایی صورت گرفت اما در طی عملیات نیز مدرکی از دخالت حماس از سوی ارتش اسرائیل ارایه نشد؛ همین دلیلی دیگر بر نامشروع بودن مطلق عملیات قلمداد می‌شود.

عنوانی که نیروهای اسرائیلی و به تبعیت از آن‌ها کشورهای غربی به این نبرد دادند، «عملیات تیغه حفاظتی»^۱ است. بااین‌وجود، ترجمه دقیق انگلیسی این عملیات، به‌صورت «عملیات صخره

1- Operation Protective Edge.

قدرتمند»^۱ است که در اسناد منتشره از سوی نیروهای دفاعی اسرائیل نیز استفاده شده است. مشاهده می‌کنید که در نهایت زیرکی، اسم انگلیسی این عملیات عمدتاً به صورتی تغییر کرده است تا مفهوم دفاع را برساند و پوششی بر اعمال تروریستی این رژیم در غزه باشد. با این وجود، این رویداد به در رسانه‌های فارسی‌زبان عمدتاً به دلیل وقوعش در ماه رمضان سال ۱۴۳۵ قمری و وقایعی که در طول آن در نوار غزه به وقوع پیوست، به نام «رمضان خونین غزه» شهرت یافته است. به دنبال تلفات کم‌نظیر کودکان غزه در تجاوز ۵۱ روزه به غزه، برخی رسانه‌های کشورهای اسلامی و به‌طور خاص مسئولین و رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران، حکومت اسرائیل را «رژیم کودک کش» نامیدند که پس از آن تاکنون نیز، این عبارت در پوشش خبرها و گزارش‌های مرتبط، توسط این رسانه‌ها حجم خبری قابل‌توجهی دارد.

سه. نقض حقوق بشردوستانه در جنگ‌های ۲۲ روزه و ۵۱ روزه

۳-۱. حمله به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی

ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک نیروی اشغالگر در غزه از تخریب اموال فلسطینی‌ها منع کرده است، درحالی‌که این رژیم عمداً با بمباران هوایی، آتش توپخانه‌ها موجب تخریب گسترده اموال غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی و خانه‌های مسکونی در نوار غزه شده است که این اقدام بر اساس ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو جنایت جنگی می‌باشد (رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

«اداره ملل متحد در امور همکاری‌های بشردوستانه»^۲ بر طبق گزارش وزیر بهداشت فلسطین اعلام کرد که در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ در اثر حمله نظامی اسرائیل به غزه حدود ۱۴۳۰ نفر فلسطینی شهید و ۵۳۸۰ نفر دیگر، برخلاف مقررات کنوانسیون چهارم ژنو، توسط ارتش اسرائیل مجروح شدند که اکثر آنها غیرنظامی، از جمله زنان و کودکان، بودند. طبق همین گزارش، در بین شهدا، تعداد ۴۱۲ نفر، کودک بوده‌اند.

ارتش اسرائیل تاسیسات غیرنظامی، خانه‌ها، اماکن عمومی، به‌کرات مدارس، مساجد، مراکز و

1- Operation Mighty Cliff.

2- United Nations Office for Humanitarian Cooperation.

ایستگاه‌های خبری، زیرساخت‌های حیاتی از جمله شبکه توزیع آب و برق را به شدت تخریب کرده است که طبق حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های ژنو جنایت جنگی محسوب می‌شود (رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۵۶). اسرائیل تعدادی از بیمارستان‌های غزه را در جریان جنگ ۲۲ روزه بمباران و آنها را تخریب و تعداد زیادی از مریض‌ها و مجروحین بستری شده در آن بیمارستان‌ها را بی‌رحمانه قتل‌عام کرد. در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ بیمارستان کاتولیک‌ها در منطقه المغازی غزه نیز توسط نیروی هوایی اسرائیل به طور کامل منهدم شد. در حالی که بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو، نیروهای نظامی می‌بایست از هرگونه تجاوز به حریم بیمارستان‌ها و مراکز درمانی خودداری نمایند. همچنین ممانعت از حمل و نقل مجروحان (برخلاف ماده ۲۱ کنوانسیون چهارم ژنو) و ممانعت از رساندن دارو (برخلاف ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو) نیز از جرایم جنگی شناخته شده است.

در سال ۲۰۱۴، عملیات نظامی اشغالگران با تمرکز بر تضعیف توان راکتی حماس آغاز شد اما سپس تخریب تونل‌ها به یکی از اولویت‌های آن تبدیل شد. نتانیاهو گفت نیروهای اسرائیلی تا نابود کردن شبکه تونل‌ها در غزه به عملیات خود ادامه می‌دهند، همچنین عملیات تخریب تونل‌ها فارغ از اینکه آتش‌بس برقرار شود یا نه ادامه خواهد داشت. اسرائیل حداقل شش عدد از پناهگاه‌های غیرنظامی زیر نظر سازمان ملل را عامدانه مورد حمله قرار داد که مورد انتقاد اکثریت دولت‌های جهان (از جمله آمریکا) و نهادهای بین‌المللی واقع شد؛ این نقض فاحش قوانین بین‌المللی است.

تا ۵ اوت ۲۰۱۴ سازمان ملل گزارش داده است که بیش از ۵۲۰,۰۰۰ فلسطینی که بیش از ۳۰٪ جمعیت کل غزه را تشکیل می‌دهد، آواره شده‌اند. از این میزان ۲۷۳,۰۰۰ نفر در ۹۰ مدرسه تحت نظر سازمان ملل اسکان یافته‌اند. «دفتر هماهنگی بشردوستانه سازمان ملل»^۱ از اسکان بیش از ظرفیت خبر داده و امکان بیماری‌های اپیدمی را محتمل دانسته‌اند. ۲۶ مرکز بهداشتی آسیب دیده‌اند، ۹۶۸ منزل (که محل سکونت ۶۴,۶۵۰ نفر بود) از بین رفته یا آسیب جدی دیده است و ۳۳,۱۰۰ خانه نیز آسیب‌دیده ولی ساکنینش همچنان در آن باقی‌مانده‌اند. مردم غزه به‌طور کلی روزانه به ۲ ساعت برق دسترسی دارند. حمله اسرائیل به تنها نیروگاه غزه که منجر به از کار افتادن آن شد، سلامت عمومی و خدمات تصفیه آب را مختل کرده و بیمارستان‌ها را متکی به ژنراتورها نموده است. بیش از ۲۲۵,۰۰۰ نفر نیازمند کمک ضروری غذایی هستند. لازم به یادآوری است

1- The UN Office for the Coordination of Humanitarian Affairs.

که سیاست گرسنگی دادن تعمّدی غیرنظامیان، از مصادیق آشکار نقض حقوق بشردوستانه است (حسینی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴ در واقعهای که در برخی از رسانه‌ها به نام «کشتار شجاعیه» نام گرفت، بیش از ۷۰ نفر غیرنظامی از مردم شهر «شجاعیه» در همسایگی غزه، توسط نیروهای دفاعی اسرائیل شهید شدند. این بزرگ‌ترین قتل‌عام در فلسطین از زمان جنگ ۱۹۶۷ بود. در میان شهدا ۱۷ کودک و ۱۴ زن و ۱۲ فرد کهنسال نیز بودند؛ و صدها غیرنظامی نیز زخمی شدند. همچنین اسرائیل در ۸ مرداد ۱۳۹۳، مدرسه سازمان ملل در جبلیه واقع در نوار غزه را هدف قرار داد. اسرائیل پیشتر از فلسطینیان خواسته بود تا خانه‌های خود را ترک کنند؛ در غیر این صورت با خطر مرگ مواجه‌اند. پس از آن و هنگامی که بیش از سه هزار تن که اغلب آنان زن و کودک بودند، در این دبستان دخترانه پناه گرفته بودند در آستانه سحر، این مدرسه هدف حمله اسرائیل قرار گرفته و صدها تن کشته و زخمی شدند. اغلب قربانیان زن و کودک بودند. این حمله موجی از محکومیت جهانی را برانگیخت و حتی انتقادات آمریکا را نیز در پی داشت. عدم رعایت حرمت اماکن وابسته به سازمان ملل ناشی از عصبانیت عمیق این رژیم از خشم جهانی متبلور در نظر اکثریتی اعضای سازمان ملل متحد بر ضد اعمال ضدبشری‌اش بود. این حمله وحشیانه با اجماع جهانیان، نقض فاحش حقوق بشردوستانه بوده و دارای بار شدید مسئولیت بین‌المللی برای سران این رژیم در آینده خواهد بود (شیایزری، گیتی، گریانک، ساک، ۱۳۸۳: ۳۲۷). منابع سازمان ملل گفتند که اسرائیل اجازه تخلیه این ساختمان را پیش از حمله تانک‌های خود، نداده است. بیش از ۱۱۸۰۰۰ تن از فلسطینیان از هراس یورش و کشتار اسرائیل به مدارس سازمان ملل پناه برده‌اند و بیش از ۴۴٪ از باریکه غزه در نتیجه این حملات غیر قابل سکونت شده است. سازمان ملل این حمله را یک ننگ جهانی بزرگ برای اسرائیل دانست.

۳-۲. استفاده از فلسطینیان به عنوان سپر انسانی

رژیم اسرائیل در طول جنگ غزه، طبق مقررات کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های آنها وظیفه داشت بین اهداف نظامی و شخص نظامی و اهداف غیرنظامی و شخص غیرنظامی تفکیک قایل شود (رنجریان، ۱۳۸۷: ۱۲۵)؛ درحالی‌که رژیم صهیونیستی در تهاجم خود به غزه، با حمله به ساختمان مرکز بهداشت روانی

غزه، حمله به خانه‌های مسکونی و تخریب تعداد زیادی از آنها، تدارک حملات کور علیه منازل و مکان‌های غیرنظامی به‌ویژه کودکان و زنان، حمله به مساجد که مردم غیرنظامی در آن پناه گرفته بودند، حمله به ساختمان‌های بسیاری در شهر غزه باعث نقض این بخش از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مقررات معاهده ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ لاهه شده است و طبق نص صریح ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این عمل جنایت جنگی محسوب شده و مسئولیت کیفری رژیم صهیونیستی را موجب می‌شود (قربان نیا، ۱۳۸۷: ۵۳). البته این رژیم مدعی شده است که حماس از مدارس، مساجد و خانه‌های مسکونی برای ذخیره یا تولید مهمات، راکت‌ها یا سایر سلاح‌ها، فرماندهی یا کنترل مراکز، اقامت مبارزان حماس برای حمله علیه شهرها یا نیروهای صهیونیستی استفاده می‌کرده است، ولی رژیم صهیونیستی اسراییل دلایل و مستندات برای اثبات این ادعا ارائه نکرده است.

فلسطینیان در طول جنگ ۵۱ روزه نیز وضعیت درمانی خوبی نداشتند؛ از ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۴ بیمارستان‌های غزه دچار کمبود شدید در برخی از داروهای ضروری، تجهیزات پزشکی و سوخت شدند. مصر به‌صورت موقت مرز رفح را گشود تا به کمک‌های پزشکی اجازه ورود به غزه را دهد. همچنین برخی از آسیب‌دیدگان فلسطینی را برای دریافت درمان راهی مصر شدند. همچنین سیاست گرسنگی دادن اجباری در تجاوز ۵۱ روزه نیز با بیرحمی هر چه تمامتر انجام گردید (رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۲۶). در طی جنگ، قیمت مواد غذایی از جمله ماهی به‌شدت افزایش یافت. تا ۵ اوت ۲۰۱۴ بیش از ۵۰۰ هزار نفر از ساکنان غزه بی‌خانمان شده بودند. یک میلیون و هشتصد هزار نفر فلسطینی در معرض بیماری‌های اپیدمی هستند؛ این امر به خاطر نبود آب سالم و تجهیزات پزشکی است. ۱۳۷ مدرسه و ۲۴ مرکز بهداشتی توسط اسراییل آسیب دیده‌اند و بیش از ۲۲۵ هزار نفر نیازمند کمک ضروری غذایی هستند.

عملیات سال ۲۰۱۴، مرگبارترین نبرد از زمان انتفاضه دوم است که البته تعداد کشته‌ها با آن برابری می‌کند. بر اساس اظهار وزیر بهداشت غزه، ۲۰۴۰ نفر از اهالی غزه در این درگیری‌ها شهید و ۱۰۱۹۶ نفر نیز زخمی شده‌اند (۸۰٪ از این تلفات را غیرنظامیان تشکیل داده‌اند) در فرازی به‌شدت دردناک نیز شاهدیم که به گفته سخنگویان رسمی سازمان ملل، پس از اتمام جنگ، بیش از ۲۹۹ هزار کودک مظلوم فلسطینی نیازمند «پشتیبانی روانی» هستند. سخنگوی این سازمان گفت: «به

معنای واقعی کلمه، هیچ جای امنی برای شهروندان در غزه وجود ندارد.»؛ درستی این سخن را زمانی می‌توان بهتر درک کرد که بدانیم ارتش سفاک صهیونیستی ۴۴٪ مناطق سرزمینی غزه (اکثر مناطق مسکونی) را منطقه ممنوعه نظامی اعلام کرده است.

اسرائیل بارها حماس را به استفاده از شهروندان غیرنظامی به عنوان «سپر انسانی» متهم می‌کند و حضور مهمات در یکی از مدارس زیر نظر سازمان ملل را دلیل این مدعا می‌داند. این در حالی است که این اتهام به خود این رژیم نیز وارد است و صهیونیست‌ها با بهانه پرتاب موشک از اماکن غیرنظامی، به شیوه‌ای بسیار ددمنشانه و شبیه به پاکسازی، آن اماکن را با خاک یکسان و به عبارتی، تر و خشک را با هم سوزانده‌اند (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۶: ۲۸۳)؛ گاهی حتی دیده شده یک خانواده ۲۰ نفره به بهانه وجود یک مهمان که رزمنده حماس بوده، شب‌هنگام قتل‌عام شده‌اند؛ امری که نه‌تنها با هیچ معیار حقوق بشردوستانه سازگار نیست، بلکه می‌تواند مصداق نسل‌کشی و جنایت جنگی باشد (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

۳-۳. استفاده از سلاح‌های ممنوعه

مطابق مقررات حقوق بشردوستانه، روش‌های جنگی که صدمات بی‌مورد وارد ساخته و موجبات آلام غیرضروری را فراهم آورد، ممنوع است؛ هرچند از سلاح‌های مجاز استفاده شود (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۶: ۳۸۹). بر این اساس، طرف‌های درگیر نمی‌توانند از هر روشی برای جنگ استفاده نمایند و باید تا آنجا از زور استفاده شود که برای غلبه بر طرف مقابل لازم است. در هرگونه عملیات نظامی، اصل تناسب باید مراعات گردد؛ هم در نوع سلاح و هم در حدود کشتار (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۶: ۳۹۵).

بازرس ویژه فرستاده شده به غزه اظهار کرده است که اسرائیل در حمله به مرکز کمک‌رسانی سازمان ملل در تاریخ ۱۵ ژانویه از بمب‌های انفجاری فسفر سفید استفاده کرده است. این در حالی است که در تاریخ مذکور ۷۰۰ شهروند غیرنظامی در آن مرکز حضور داشته‌اند. اسرائیل همچنین از «بمب‌های فسفر سفید»^۱ در حمله به بیمارستان‌های القدس و الوفا استفاده کرده است. اسرائیل کاربرد این نوع سلاح‌ها را رد کرده است اما سازمان ملل و بسیاری از نهادهای حقوق بشری (از جمله دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل) در گزارش‌های خود با استناد به دلایل و مستندات معتبر،

1- White Phosphorus Bombs.

کاربرد سلاح‌های نامتعارف توسط ارتش صهیونیستی علیه مردم غیرنظامی فلسطین، در مناطق پرجمعیت غزه را مورد تایید قرار داده و همچنین انفجار خمپاره‌های فسفری در محدوده اردوگاه آوارگان جبلیه را نیز تایید کرده‌اند.

در طول سه هفته تجاوز مداوم در جنگ ۲۲ روزه، رژیم صهیونیستی به کرات از بالگردها و هواپیماهای بدون سرنشین و هواپیماهای جنگی F10 استفاده کرده است، آثار و بقایای بمباران‌های هوایی در سراسر غزه از جمله خیابان‌ها، زمین‌های بازی مدارس، بیمارستان‌ها و خانه‌های مسکونی توسط کمیته عفو بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت این کمیته اعلام کرده است که کدها و علایم موجود بر روی بقایای این تسلیحات نشان می‌دهد که از تولیدات شرکت آمریکایی رایتون هستند؛ شکی نیست که دادن اجازه فروش تسلیحات پیشرفته به اسرائیل از سوی کنگره آمریکا، دارای بار مسئولیت بین‌المللی برای دولت ایالات متحده در قبال جنایات ضدبشری بر ضد غیرنظامیان فلسطینی است. دیدبان حقوق بشر در گزارش خود تاکید کرده است که نیروهای اسرائیلی مکرراً مهمات حاوی فسفر سفید را در هوا بر فراز مناطق پرجمعیت منفجر کرده‌اند که منجر به شهید و مجروح شدن غیرنظامیان و ورود خسارت به اماکن و تاسیسات غیرنظامی شده است.

طبق گزارش «کمیته تحقیق سلاح‌های نوین»^۱، نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی در جنگ غزه سلاح‌های نامتعارف نوین را در قبال جمعیت غیرنظامی به کار برده است. کمیته مزبور نهایتاً به این نتیجه رسیده که رژیم صهیونیستی سلاح‌های انفجاری حاوی ذرات فلزی متراکم، بمب‌های ترموباریک، بمب‌های خوشه‌ای، سلاح‌های حاوی اورانیوم و فسفر سفید و دیگر انواع سلاح‌های نوین را به کار برده است. کاربرد این سلاح با روح بسیاری از قوانین بین‌المللی مغایرت دارد. پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو وارد آوردن صدمات مضاعف، درد و رنج غیرضروری، عدم تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و وارد آوردن صدمات شدید، طولانی‌مدت و گسترده به محیط زیست را ممنوع اعلام کرده است (زمانی و رفیعی، ۱۳۹۲). اورانیوم ضعیف شده، نقض صریح تمام بندهای پروتکل الحاقی ژنو به‌ویژه ماده ۳۵ پروتکل ۱۹۷۷ است.

در خلال جنگ ۵۱ روزه، استراتژی ویران‌سازی با شدتی اجرا شد که واکنش گسترده بین‌المللی

1- New Weapons Research Committee.

را به دنبال داشت. رژیم صهیونیستی در جنگ ۵۱ روزه، نوار غزه را بیش از ۶۵۰۰ مرتبه، از هوا، دریا و زمین هدف حملات بی‌وقفه خود قرار داد و بیش از ۱۰ هزار تن مواد منفجره بر سر مردم و بی‌دفاع این منطقه ریخت. بمب‌های نامتعارفی که ارتش اسرائیل در این جنگ علیه مردم نوار غزه استفاده کرد، به شرح زیر است:

۱- بمب‌های دودزا: این بمب‌ها تا حد زیادی منجر به کشته شدن افراد نمی‌شود، اما بر نفس کشیدن به‌ویژه تنفس بیماران ریوی و دارای آسم تاثیر شدید می‌گذارد. این بمب‌ها برای کودکان نیز بسیار خطرناک است. بمب‌های دودزا در این جنگ، بیشتر در مناطق شرقی و شمالی نوار غزه استفاده شده است تا پوششی برای ورود نیروهای ارتش اسرائیل به این مناطق باشد (پورحسن، ۱۳۹۳: ۴۵)؛ البته این نیروها با تجهیزات لازم وارد مناطق آلوده می‌شدند و دود این بمب‌های مخرب تنها به چشم مردم بی‌دفاع منطقه مورد بمباران می‌رفت.

۲- بمب‌های فسفوری سفید: این بمب‌ها با هدف آتش زدن منازل فلسطینیان و همچنین دادن علامت به توپخانه ارتش استفاده می‌شود تا مناطق مشخص شده را بمباران کند؛ اما شدت خطر این بمب‌ها تا حدی است که در خاک و آب نفوذ کرده و آنها را آلوده می‌کند. همچنین اگر انسان در معرض این بمب باشد، تمام پوست و گوشتش می‌سوزد و فقط استخوان‌هایش باقی می‌ماند. از این بمب‌ها به شکل محدود در چند نقطه از نوار غزه مانند بیت حانون و رفح استفاده شده است (پورحسن، ۱۳۹۳: ۵۳). با توجه به خطر شدید این بمب برای سلامتی انسان و اثر فوری و شبه «مرگ‌آورش»، حتی کاربرد محدود آن در نبرد نیز جنایت محسوب می‌شود.

۳- بمب‌های آتش‌زا: این بمب‌ها توسط توپخانه نیروی زمینی ارتش اسرائیل و با هدف آتش زدن اراضی مشکوک به وجود میدان‌های مین و تله‌های انفجاری مقاومت به کار گرفته شد. این بمب‌ها منجر به ذوب شدن مین‌ها و تله‌های انفجاری می‌شوند. در اثر کاربرد این بمب‌ها، صنعت کشاورزی نوار غزه تا حد جبران‌پذیری از بین رفته است.

۴- بمب‌های آبام: از وحشیانه‌ترین بمب‌های کنونی جهان است؛ هر یک از بمب‌های آبام، استوانه‌هایی پر از تیغ دارند که مخصوص بریدن و قطع عضو است. این بمب‌ها بیشتر توسط توپخانه ارتش اسرائیل و در شرق نوار غزه در مناطقی همچون الشجاعیه و الزیتون و در جنوب شرقی در مناطقی همچون خزاعه، عبسان و القراه به کار گرفته شده است.

۵- بمب‌های میخی: این بمب‌ها، خمپاره‌های ۱۲۰ میلیمتری تانک‌های مرکاوی اسرائیلی می‌باشد که معروف به بمب‌های میخی است، زیرا هر یک قبضه از این خمپاره‌ها، دارای ۳۰۰۰ میخ است که به‌مجرد برخورد با هدف، منفجر شده و میخ‌های آن، تمام اطراف مکان انفجار را در بر می‌گیرد. از این بمب نیز در شرق نوار غزه به‌ویژه منطقه الشجاعیه و در جنوب نوار غزه در منطقه رفح استفاده شده است. کارکرد این بمب‌ها شبیه بمب‌های بشکه‌ای است (پورحسن، ۱۳۹۳: ۴۴).

۶- بمب‌های دایم^۱: این سلاح به‌شدت وحشیانه، ساخت آمریکاست و در جنگنده‌های نیروی هوایی استفاده می‌شود. این بمب، حاوی آلیاژ فلز سنگین «تنگستن» است و در درجه گرمای بسیار بالا منفجر می‌شود. این بمب، بسیار کوچک اما به‌شدت، قدرتمند و کشنده است. کربن موجود در آن پس از پرتاب باعث شدت انفجار می‌شود. در محل اصابت این بمب با زمین آثار کوچکی بر جای می‌ماند، اما تکه‌های پودر شده آن تا شعاع ۱۰ متری با سرعتی بسیار بالا پرتاب می‌شوند (پورحسن، ۱۳۹۳: ۴۱). در نوار غزه، بدن برخی اجساد و مجروحان که در معرض اصابت ترکش‌های این بمب‌ها قرار گرفته‌اند، بدون آنکه سوخته شده باشد، کاملاً سیاه می‌شود. اعضای بدن کسانی که در معرض این بمب قرار گرفته‌اند، ذوب شده و دچار جراحات و بریدگی‌های عمیق و یا پارگی‌های داخلی در ناحیه شکم شده‌اند که به مرگ آنها منتهی شده است. کسانی که در معرض آن قرار بگیرند با موج انفجار شدیدی، تکه‌تکه می‌شوند. پزشکانی که در خلال جنگ ۵۱ روزه در نوار غزه به مداوای زخمی‌ها می‌پرداختند، کاربرد این نوع سلاح (در حجم گسترده) را تایید کردند.

نتیجه‌گیری

تجاوزات رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه غزه میدان آزمون قواعد و مقررات بین‌المللی بوده است. در این آزمون حقوق بین‌الملل مردود صحنه بود. نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مراقبین و ناظرین بی‌خاصیت این عرصه بودند که نه‌تنها متأسفانه جز تماشای نقض حقوق بین‌الملل از سوی یکی از تابعین آن یعنی رژیم صهیونیستی، اقدام موثری را که ذاتاً و برحسب وظیفه بر عهده‌شان گذاشته شده است، انجام ندادند، بلکه حتی بعضاً حمایت‌های مغرضانه از این رژیم جنایتکار کودکش نیز نمودند؛ و بدین‌سان ما شاهد درد و رنج هزاران انسان از زن و مرد و کودک در نوار غزه بودیم.

1- Dense Inert Metal Explosive (DIME).

رژیم صهیونیستی، علیرغم عضویتش در کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و به‌رغم شمول قواعد عرفی متعدد، بر اثر بمباران‌های کورکورانه افراد غیرنظامی غزه اعم از زن و مرد و کودک و اموال خصوصی غیرنظامیان غزه اعم از خانه‌های مسکونی و محل اشتغال آنها و اموال عمومی اعم از مدارس، مساجد و بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها، از هوا، زمین و دریا مرتکب نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است که بر اساس حقوق بین‌الملل موضوعه و حقوق بین‌الملل عرفی، اینگونه اقدامات و نیز بکارگیری سلاح‌های ممنوعه، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت خوانده می‌شود.

بنابراین، علاوه بر جنایت بین‌المللی که در اثر تجاوز به یک کشور و نقض اصل منع توسل به‌زور صورت می‌گیرد، چنانچه متجاوزان، به هنگام مخاصمه مسلحانه و درگیری نظامی، مقررات جنگ را نادیده بگیرند، مرتکب «جنایت جنگی» نیز شده‌اند. جنایات جنگی عبارت است از نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه. این مقررات، در عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی شماره‌های ۱ و ۲ سال ۱۹۷۷ و نیز در قواعد و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه، انعکاس یافته است. جنایات ارتكابی علیه افراد غیرنظامی، جنایات ارتكابی علیه مجروحان و اسیران جنگی، غارت اموال عمومی یا خصوصی در زمان جنگ، بمباران و تخریب شهرها و روستاها و اهداف غیرنظامی دشمن که فاقد ضرورت نظامی باشد، در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرند.

فهرست منابع:

۱. منشور ملل متحد.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۳. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.
۴. بابایی، مجتبی، (۱۳۸۶)، بررسی مشروعیت ساخت دیوار حایل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، مجموعه مقالات همایش فلسطین از منظر حقوق بین‌الملل، شهرکرد، انتشارات دانشگاه شهرکرد.
۵. بیگ زاده، ابراهیم، (۱۳۷۲)، درس حقوق بین‌الملل عمومی (جزوه درسی)، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. بوسچک و رابرت بلدسو، (۱۳۷۵)، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۷. پورحسن ناصر، (۱۳۹۵)، «جنگ ۵۱ روزه غزه، انتفاضه بین‌المللی و بایکوت رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات فلسطین شماره ۲۵.
۸. حسینی نژاد، حوریه، (۱۳۸۸)، «جنگ علیه حقوق جنگ»، مجله حقوق بین‌الملل، مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۴۰.
۹. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، (۱۳۸۳)، تاملی چند بر منابع قراردادی حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی - مجله: الهیات و حقوق، شماره ۱۳.
۱۰. رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۷)، ابعاد حقوقی و انسانی فاجعه غزه، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۱. شیاپزری، گیتی، گریانک، ساک، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. فراسیون، منصور، (۱۳۷۵)، راهنمای سازمان ملل متحد (ترجمه)، تهران، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی.
۱۳. فلسفی، هدایت الله، (۱۳۵۴)، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران: فرهنگ نشر نو.
۱۴. قربان نیا، ناصر، (۱۳۸۷)، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، حقوق جنگ، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ هجدهم، تهران، گنج دانش.
۱۷. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات داخلی، تهران: نشر میزان.
۱۸. موسی زاده، رضا، (۱۳۷۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۹. موسی‌زاده، رضا، (۱۳۸۳)، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: نشر میزان.